

ادامه از صفحه ۹

گذر از پیچ تند تاریخی

برای کسی سخت بگیریم و برای دیگری آسان و قانون گذار و مجری نتواند آن طور که باید عمل کند، احساس بی عدالتی در جامعه ایجاد می شود و همین باعث بروز مشکلات بعدی می شود.

در این میان در مورد ایران می توانیم بگوییم ما تاریخی داریم که ۲ هزار و ۵۰۰ سال حکومت پادشاهی در آن بود، با این حال در دوره فعلی و بعد از انقلاب، دموکراسی در کشور مطرح شد؛ ما تلاش می کنیم خودمان را در دنیا مطرح کنیم و امروز به جایی رسیده ایم که در دنیا حرف برای گفتن داریم؛ دموکراسی در ایران به گونه ای است که رأی مردم نمایندگان ملت و رئیس اجرایی را انتخاب می کند، دستگاه های نظارتی در این میان حاضر هستند و در کل ما در حال گذر از این پیچ تاریخی هستیم و در برنامه و سند چشم انداز طوری برنامه ریزی کرده ایم که در حوزه های مختلف به جایگاه قابل قبولی در منطقه برسیم. از نظر علمی باید به رتبه اول منطقه برسیم؛ در این راه باید شرکت های دانش بنیان را توسعه دهیم، مقالات ما باید افزایش یابد و عملیاتی شود و در صنعت و کشاورزی آفرش را ببینیم. می بینیم که در برخی از حوزه ها مقدمات توسعه یافتگی برای کشور فراهم شده است؛ در بحث انرژی هسته ای می بینیم که رشد بسیار چشمگیری داشته ایم؛ همین طور در فناوری های

دیگر مثل نانوتکنولوژی، آی تی، بیولوژی و بهداشت و درمان، پیشرفت های خوبی داشته ایم. البته در این مسیر اشتکالاتی هم وجود داشته و به واسطه تغییر های مدیریتی و متفاوت ایجاد شده است. امروز در جایگاهی قرار داریم که در برنامه ۵ ساله ششم باید تمام عقب افتادگی های ما را منظر قرار دهیم یعنی برنامه های را تعریف کنیم که روند توسعه را تسریع دهد. به هر صورت در این راه وجود دارد، سد راهی که از سوی کانون های قدرت دنیا ایجاد شده برای همه کشورهای

دیگر مثل نانوتکنولوژی، آی تی، بیولوژی و بهداشت و درمان، پیشرفت های خوبی داشته ایم. البته در این مسیر اشتکالاتی هم وجود داشته و به واسطه تغییر های مدیریتی و متفاوت ایجاد شده است. امروز در جایگاهی قرار داریم که در برنامه ۵ ساله ششم باید تمام عقب افتادگی های ما را منظر قرار دهیم یعنی برنامه های را تعریف کنیم که روند توسعه را تسریع دهد. به هر صورت در این راه وجود دارد، سد راهی که از سوی کانون های قدرت دنیا ایجاد شده برای همه کشورهای

در حال توسعه مشکل ساز است زیرا آنها به دنبال این هستند که قدرت، انحصار در حوزه صنعت و اقتصاد در دست داشته باشند. به ویژه این حساسیت در مورد ایران که در منطقه ژئوپلیتیکی مهمی واقع شده، بیشتر است. بعد از فروپاشی شوروی، غرب به ویژه آمریکا دنیا را در دست خود می دیدند و خود را تنها قطب قدرت، در این فضا ایران برنامه های توسعه ای را آغاز کرد؛ اکنون به جایی رسیده ایم که دنیا دیگر از حالت تک قطبی خارج شده و اکثر کشورهای در مقابل قدرت های سابق قد علم کرده اند. ایران هم یکی از این کشورهاست که در مسیر توسعه یافتگی با تحریم مواجه شد، فشار های سیاسی بر ما وارد شد که نتوانیم با کشورهای دیگر به خوبی ارتباط صنعتی داشته باشیم. در بحث های فرهنگی و اجتماعی نیز همین طور است. ارزش های اجتماعی ما را هدف قرار می دهند و مسائل اخلاقی و ارزشی را زیر سوال می برند. در واقع چالش های ما هم در ۴ بعد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که هم دلایل داخلی و هم دلایل خارجی دارد که با برنامه ریزی منسجم و متحد باید آنها را رفع کنیم.



کشورهای دیگری هم هستند که نه توسعه یافته اند و نه عقب افتاده؛ این گروه سوم، کشورهای در حال توسعه و رشد هستند؛ این کشورها از یک سری اقدامات کشورهای توسعه یافته الگو برداری کرده یا به ابتکار و خلاقیت خودشان آنها را تعریف کرده اند و توسعه یافتگی هستند. این دوره بسیار حساس و پر مخاطره است، بعضی مسائل فرهنگی اجازه نمی دهد کشورها خیلی با سرعت از این مسیر بگذرند؛ چرا که تغییرات فرهنگی بسیار آسیب زا است اغلب کشورهای در حال توسعه در این راه با آسیب های جدی در حوزه های مختلف مواجه می شوند، مثل اختلاس های اقتصادی؛ وقتی این کشورها می خواهند اقتصاد دولتی را به اقتصاد خصوصی و تعاونی تبدیل کنند، که این هدف در برنامه های توسعه ای ۵ ساله و چشم انداز ۲۰ ساله ایران هم تعریف شده است، می بینیم که پدیده هایی مثل اختلاس بروج می کنند؛ مثلا در واگذاری واحدهای تجاری و کارخانه های کشور به بخش خصوصی یک عده سودجو که بعضا به دولت ها هم ممکن است متکی باشند، می آیند و از این فرصت سوء استفاده می کنند؛ این مشکلات مسیر توسعه یافتگی را با مانع مواجه می کند و رسیدن به اهداف ترسیم شده را عقب می اندازد.

در مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز همین طور است؛ در دوران گذار ما یک تقدم اجتماعی و فرهنگی داریم و یک تاخر اجتماعی و فرهنگی؛ وقتی می بینیم که چرا کشورهای در حال توسعه از نظر صنعتی و عمرانی عقب افتادگی دارند، ریشه آن در مسائل فرهنگی و اجتماعی دیده می شود. کشورهای توسعه یافته انسجام فرهنگی و اجتماعی قوی تری دارند و کمتر تحت تأثیر معضلاتی مثل تهاجم فرهنگی قرار می گیرند. چرا که تهاجم های فرهنگی اغلب آموزه های اخلاقی و دینی کشورهای

جهان سوم را هدف قرار می دهد و همین آسیب پذیری باعث می شود توسعه یافتگی فرهنگی و بالطبع اجتماعی هم دیده شود. به عبارت دیگر، گذر از دنیای سنتی به مدرنیسم در کشورهای در حال توسعه که هنوز ظرفیتهای کافی برای پذیرش تغییر را ندارند، مشکل ساز می شود؛ دوره گذار در مسیر توسعه یافتگی تعبیری یک پیچ تاریخی برای کشورهای در حال توسعه است که اگر به خوبی پشت سر گذاشته شود، توسعه یافتگی هم دور از دسترس نیست. ما در واقع به یک اتحاد و انسجام کلی نیاز داریم؛ ارزش های اجتماعی را باید حفظ کنیم قوانین باید به خوبی نهادینه شود؛ قانون و اجرای قانون باید به گونه ای باشد که بازدارندگی ایجاد کند، بازدارندگی در مقابل انحراف های اجتماعی، انحراف های اقتصادی و سیاسی؛ در واقع باید برای همه احترام به قانون اساسی نهادینه شود؛ اگر قانون به خوبی در کشور های در حال توسعه تدوین و اجرایی شود، آن کشور به خوبی از این پیچ تاریخی گذر می کند. در غیر این صورت، به عبارتی اگر در عمل به قانون عمل کرد دوگانه داشته باشیم و



در گفت و گو با لطف الله اجدانی مطرح شد

عدالت اجتماعی محور توسعه متوازن

توسعه محور در جامعه ای علاوه بر ضرورت توجه به الزامات فکری و ساختاری توسعه در یک جامعه، توجه به تلاش برای ایجاد انگارها و آموزه های قابل فهم قابل اعتماد در میان عموم جامعه برای گسترش فرهنگ توسعه در میان افکار و اقشار عمومی جامعه، بسیار ضرورت دارد.

● **ایران نیز از جمله کشورهای در حال توسعه است. بنحفاق این خوشبینی وجود دارد که سندی به نام چشم انداز ۲۰ ساله برای ایران ۱۴۰۴ پیش بینی شده است؛ به نظر شما آیا حوزه اجتماعی و سیاست گذاری در این حوزه، در مسیر چشم انداز به خوبی دیده شده است؟**

در ایران، به رغم وجود سند چشم انداز ۲۰ ساله برای ایران ۱۴۰۴ و بی آنکه بتوان پاره ای دستاوردهای توسعه ای در ایران را نادیده گرفت، نمی توان از برابر این واقعیت فرار کرد که حکومت و جامعه ایران هنوز نتوانسته با توسعه مطلوب فاصله دارد، بلکه در افق چشم رسیدن به نقطه مطلوب پیش بینی شده در افق چشم انداز توسعه ایران دور مانده و در تحقق برخی از اهداف توسعه ای طراحی شده و پیش بینی شده خود در چشم انداز توسعه کشور، مانده است.

● **اگر چنین اعتقادی دارید، درباره ناکامی هایمان در این زمینه صحبت کنید؟**

برخی ناکامی های ایران در فرایند توسعه، ریشه در علل و عوامل متعددی دارد. یکبارچه نبودن منابع و مصادر تعریف کسر و تدوین گر مفهوم و برنامه های توسعه ای، ضعف مدیریت تئوریک در روند طراحی مدل ها و الگوهای توسعه ای و پارای ضغفا در مدیریت اجرایی روند توسعه و البته و فشارها و محدودیت های ناشی از چالش های بین المللی، از جمله موانع پیش روی فرایند توسعه گرایان در ایران است. اما به نظر می رسد ایران با استقرار دولت تدوین و امید و نیز تأکید ویژه رهبر انقلاب برای توسعه، بتواند تلاش ویژه ای برای شکل گرفتن عزم ملی در راستای دستیابی به کامیابی های بیشتر در زمینه توسعه کشور و جامعه را تجربه کرده و شاهد باشد. راهی دشوار اما بسیار ضروری که نیازمند عقلانیت و اعتدال و وفای و همدلی و استفاده از حداکثر ظرفیت ها و توانمندی های موجود و حتی فراتر از آن نیازمند خلق ظرفیت ها و فرصت های جدید برای توسعه همه جانبه، متوازن، فراگیر، تعمیق یافته و کارآمد است.

سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز به حوزه توسعه اقتصادی و همه حوزه ها به یکدیگر مرتبط هستند. در واقع میان حوزه های مختلف برای دستیابی به توسعه فراگیر و پایدار نسبت معناداری از ضرورت متوازن بودن توسعه در حوزه های مختلف وجود دارد. به عبارت دیگر هر یک از توسعه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ملازمت و همپوشانی با یکدیگر قرار داشته و مکمل یکدیگرند. لاجرم بسیار اهمیت دارد که حوزه های مختلف مخاطب و هدف در فرایند توسعه، در هر گونه تعریف و برنامه ریزی و اجرایی کردن برنامه های توسعه ام از توسعه اجتماعی و سیاست گذاری در این حوزه، سهم مناسبی را به خود اختصاص داده و افزون بر آن، الزامات و ضرورت های بین المللی، ملی و محلی نیز در هر گونه طرح ها و برنامه های توسعه محور لحاظ شود.

● **وقتی صحبت از سیاست گذاری اجتماعی، آن هم در کشورهای در حال توسعه، نمی شود، به این دلیل که ساختارهای موجود، نمی تواند، پاسخگوی توزیع متوازن امکانات باشد، عدالت اجتماعی اهمیت ویژه پیدا می کند. این موضوع چطور باید در برنامه های توسعه، جای داده شود؟ موضوعات دیگری که باید مورد توجه قرار گیرند، کدامند؟**

موضوعی که در ساره عدالت اجتماعی طرح شد، موضوع رستی است. نباید از توجه به این مهم باز ماند که میان موفقیت هر گونه برنامه های توسعه محور با ضرورت توجه به مفهوم و رفتار مبتنی بر تحقق عدالت اجتماعی، پیوند تنگاتنگ و معناداری وجود دارد. توجه به عدالت اجتماعی در برنامه های توسعه ای، یکی از عوامل موثر در افزایش موفقیت سیستم های فکری و ساختارهای توسعه گرا در هر جامعه در حال گذار می تواند باشد. از دیگر اولویت های توسعه، توجه به فراگیر کردن فرهنگ توسعه در جوامع در حال گذار است. بسیاری از مخالف ها و چالش های فراسوی تکاپوهای توسعه گرایانه جوامع در حال گذار ناشی از ضعف شرح و بسط و توسعه تفکر فرهنگ توسعه در میان افکار و اقشار عمومی است. از این رو باید توجه کرد برای طراحان و مدیران و مجریان برنامه های

و تنش های ناشی از آن در جوامع مختلف و با توجه به شرایط و ویژگی های هر یک از آن جوامع می تواند یکدیگر متفاوت باشد. اما توسعه ستیزی و توسعه گرایی گروه هایی از جامعه در حال گذار از توسعه یافتگی به توسعه یافتگی، وجه مشترک همه کشورها و جوامع در حال گذار است.

● **یکی از موضوعات مشترک که هم می تواند الگوی توسعه باشد در دست است؟**

بله، ممکن است الگوی که کشورهای در حال توسعه برای توسعه همه جانبه خود انتخاب می کنند، مشترک با متفاوت باشد. افزون بر آنچه پیش از این گفتیم، از دیگر ویژگی های چالش برانگیز جوامع در حال گذار از توسعه یافتگی به سوی توسعه یافتگی، فقدان تجربه پیشین و چالش های ناشی از متفاوت بودن الگوهای توسعه است. این جوامع با درجات متفاوتی دچار آزمون و خطا در روند اندیشه و تکاپوهای خود برای توسعه طلبی هستند.

● **به طور عمومی غایت کشورهای در حال توسعه، رسیدن به توسعه همه جانبه ام از توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. اما کشورهای در حال توسعه، در زمینه های مختلف دچار ایراد، کمی و کاستی هستند، با این حال چگونه توسعه همه جانبه به ویژه در زمینه اجتماعی، برای آنها قابل دسترس است؟**

یکی از الزامات تحقق توسعه کارآمد و پایدار، توجه به همه جانبه بودن، و متوازن بودن و تعمیق یافتگی توسعه، هم در مفهوم نظری آن و هم در تعیین بخشی به آن مفهوم در ساختارها و برایندهای فرایند توسعه است. یکی از مشکلات اساسی بسیاری از جوامع در حال گذار از توسعه یافتگی به توسعه یافتگی فقدان توجه

به الزامات فراگیر بودن و تعمیق یافتگی و متوازن بودن توسعه است. توسعه یافتگی در هر یک از حوزه ها تا حدود زیادی مرتبط و گاه وابسته به حوزه های دیگر است. نمی توان بدون توسعه اقتصادی به توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رسید. همان گونه که هر یک از حوزه های توسعه



مثل پاندول این طرف و آن طرف می شویم

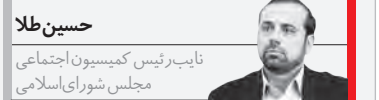
ایران تعریف مشخص و چارچوب معینی ندارند؛ سازمان های مردم نهاد در همه حوزه ها با مشکل و ابهام مواجه هستند؛ هم در حوزه قانون گذاری، هم در حوزه دستگاه های اجرایی یا حتی در حوزه های سیاسی امنیتی؛ به نوبتی که کار کرد و نقش آنها در فرهنگ سیاسی و متأسفانه وقتی یک نقصی در آنها دیده می شود، در جامعه خیلی پر رنگ نمود پیدا می کند.

سیاست گذاری های اجتماعی به ویژه رفع معضلات این حوزه به نقشه راه نیاز دارد، نه درمان موقت. موادمخدر، بیکاری، نزول ارزش های اخلاقی ما همه به برنامه ریزی بلندمدت نیاز دارد. ما سند چشم انداز بیست ساله تدوین کرده ایم و در همه حوزه ها به ظاهر برنامه ریزی ها نوشته شده است ولی در عمل می بینیم که انسجام و روند رو به رشد و خوشایندی دیده نمی شود؛ اصلی ترین علت هم می تواند برخورد سلیقه ای مدیران باشد. هر

به ویژه ایران، برنامه ها بر اساس مشکلات مطرح شده و اغلب مقطعی است؛ در واقع جنبش همه جانبه برای از بین بردن مشکلات آن طور که باید و شاید دیده نمی شود. این مشکل فقط در حوزه اجتماعی نیست، ما در فرهنگ هم نتوانسته ایم خوب عمل کنیم؛ در فرهنگ سازی با چالش هایی مواجه شدیم؛ در حوزه فرهنگ مقاومت و دفاع نتوانسته ایم خوب عمل کنیم؛ فرهنگ سازی درستی از دفاع مقدس نشده است؛ جامعه امروز آن طور که نسل جنگ درخور ستایش هستند، سیاست گزار آنها نیست؛ باین که همین موضوع در کشورهای توسعه یافته به شکل دیگری دیده می شود؛ کسانی که در جنگ یادفاهی حضور داشتند به شکل بسیار ارزشمندی مورد احترام و تقدیر قرار می گیرند.

یکی از مهم ترین چالش های اجتماعی کشور ما به عنوان کشوری که در حال توسعه است، این است که نهادهای مدنی و سازمان های مردمی در

دریچه



مشکل اصلی و چالش اساسی که در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران در حوزه سیاست گذاری ها دیده می شود، این است که برنامه ریزی بلندمدت و جامع وجود ندارد و اگر هم وجود داشته برای مثال در کشور خودمان این مسأله به وضوح قابل مشاهده است؛ وقتی یک مشکل پدید می آید، همه به فکر درمان و رفع آن می افتند؛ برای نمونه فردی مثل بیجه، امنیت اجتماعی را به خطر می اندازد و در کشور هر نهادی بر اساس برنامه خود به آن می پردازد، یکی از حوزه امنیتی، یکی از حوزه روانشناختی و یکی دیگر از حوزه معضلات اجتماعی؛ ولی وقتی آن مشکل رفع و موضوع تمام شد، دیگر برنامه و ساختاری برای رسیدن به نقشه راهی جهت جلوگیری از تکرار این پدیده های ناخواسته دیده نمی شود. در حوزه موادمخدر، تکدیگری و دیگر معضلات اجتماعی در کشورهای توسعه

حسین طلا
نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی